

## ضربه کاری و کشاندن ابلیس به خواری

«آنچه ما یلم شما درک کنی این است که پیروی از حجت الهی به میزان دقت آن، چهره ابلیس را سیاه می‌گرداند. همان سجده کردنی که ابلیس آن را نپذیرفت، روی او را سیاه می‌کند. ابلیس از سجده بر جانشین خدا سر باز زد و وعده داد که مردم را گمراه ساخته و به سرپیچی کردن از سجود بر جانشین خدا وامی‌دارد. بنابراین چه چیزی بیشتر از نقض هدف و غایتی که به دنبال آن است، رویش را سیاه می‌گرداند؟

پس موضوع همان است که در ابتدا به شما گفتم: برای هدایت مردم بکوشید؛ کاری کنید که آنها هم مانند فرشتگان سجده کنند. ابلیس را که از آنها می‌خواهد در رد سجده بر خلیفه الهی از او پیروی کنند، به خواری بکشانید.»

(سید احمد الحسن، در محضر عبد صالح، جلد ۱).



نقد و بررسی معیارهای مسیح‌شناسی کراویتز | قسمت اول

دعوتی غریبانه برای پدر

نگاهی گذرا به برخی از دلایل دعوت سید احمد الحسن

آیا اساس دین، امام معصوم است؟

جایگاه بی‌بدیل امام مهدی ع در ثبات هستی

نعمتی که از آن بازخواست می‌شویم

شعر: شوق دیدار

## سید احمد الحسن کیست؟

سید احمد الحسن، فرزند سید اسماعیل، فرزند سید صالح، فرزند سید حسین، فرزند سید سلمان، فرزند امام محمد بن الحسن العسکری علیه السلام است. ایشان وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام است و برای هدایت و زمینه‌سازی ظهور مقدس مبعوث شده است. همان یمانی موعود، برای شیعیان و همان مهدی متولدشده در آخرالزمان نزد اهل سنت که رسول الله صلی الله علیه و آله بشارت تولد ایشان را داده‌اند و نیز فرستاده‌ای از سوی حضرت عیسی علیه السلام و حضرت ایلیا علیه السلام برای مسیحیان و یهودیان است. ایشان دعوت الهی خویش را به‌دستور پدر بزرگوارش امام مهدی علیه السلام، در سال ۱۹۹۹ در نجف اشرف، پایتخت دولت عدل الهی آغاز نمودند و از آنجا دعوت امام مهدی همچون دعوت رسول الله به همه جهان انتشار یافت. سید احمد الحسن برای اثبات حقانیت خویش، به قانون معرفت حجت‌های الهی احتجاج می‌کنند: این قانون از سه اصل تشکیل می‌شود:

۱. نص الهی؛ یعنی وصیت شب وفات رسول الله صلی الله علیه و آله را مطرح کرده‌اند و نام مبارک احمد به‌عنوان مهدی اول در آن ذکر شده است.
۲. علم و حکمتی که برای هدایت همه مردم ارائه داده و با آن، همه علمای ادیان و بزرگان الحاد را به تحدی فراخوانده‌اند.
۳. پرچم البیعة لله (دعوت به حاکمیت خدا)

ایشان یکی از اوصیای رسول خدا صلی الله علیه و آله است که در وصیت آن حضرت در زمان وفاتش به وی تصریح شده است: از اباعبدالله جعفر بن محمد از پدرش امام باقر از پدرش صاحب پینه‌ها زین العابدین از پدرش حسین زکی شهید از پدرش امیرالمؤمنین؛ که فرمود: «...ای ابالحسن، صحیفه و دواتی حاضر کن؛ و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وصیتش را املا فرمود تا به اینجا رسید که فرمود: ای علی، پس از من دوازده امام خواهند بود و پس از آن‌ها دوازده مهدی. ای علی، تو نخستین دوازده امام هستی... و ایشان دوازده امام‌اند و سپس دوازده مهدی خواهد بود... پس اگر زمان وفاتش رسید، آن [خلافت] را به فرزندش، نخستین مهدیین تسلیم کند که سه نام دارد، نامی مانند نام من و نام پدرم که عبدالله و احمد است، و نام سوم مهدی است و او اولین ایمان آورندگان است.»

# پایه‌های خرد

## فهرست

- ۳..... نعمتی که از آن بازخواست می‌شویم.....
- ۶..... نقد و بررسی معیارهای مسیح‌شناسی کراویتز.....
- ۸..... آیا اساس دین، امام معصوم است؟.....
- ۱..... دعوتی غریبانه برای پدر.....
- ۱۶..... شعر.....



### هفته‌نامه زمان ظهور

شماره ۱۷۵، جمعه ۱۷ فروردین ۱۴۰۳،  
۲۵ رمضان ۱۴۴۵، ۵ آوریل ۲۰۲۴  
صاحب امتیاز: مؤسسه وارثین ملکوت

راه‌های ارتباطی:  
[WWW.VARESin.ORG](http://WWW.VARESin.ORG)  
[WWW.ALMAHDYOON.CO](http://WWW.ALMAHDYOON.CO)



هرگونه برداشت از هفته‌نامه با ذکر منبع بلامانع است.

زمان ظهور منتظر دریافت نظرات، پیشنهادات و انتقادات  
سازنده شما عزیزان است.

السلامة علیکم والرحمة والبرکات  
تألیف

# نعمتی که از آن بازخواست می‌شویم

به قلم: نور دخت مهدوی

## مقدمه

از یاد نمی‌برم در سال دوم تولد دوباره‌ام -منظورم از تولد دوباره، ایمان به وصی و فرستاده امام مهدی (علیه السلام)، مهدی اول، احمد مذکور در وصیت رسول الله (صلی الله علیه و آله) سید احمد الحسن است. شب وفات رسول مکرّم اسلام محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) رؤیایی دیدم که بی‌ارتباط با موضوع نوشتارم نیست:

در رؤیا خود را در حیاط منزل پدری‌ام دیدم، سحرگاه بود و می‌دانستم شب وفات حضرت رسول است، نگاهم به آسمان به سمت بالا کشیده شد. تمام آیات سوره «تکاتر» در پهنه آسمان، نورانی نوشته شده بود و تلالو نورش چشمانم را نوازش می‌کرد به گونه‌ای که در وصف نمی‌گنجد و دقیقاً در انتهای آیه:

**(ثم لتسألن يومئذ عن النعيم)**  
[۱] (که در آن روز شما را از نعمت‌ها بازخواست می‌کنند) دیدم که با همان رنگ چشم‌نوازی که آیات

الهی بر گستره آسمان نقش بسته بود، نوشته شده: «الدعوة الیمانیه دعوة الحق». در رؤیا شعفی عمیق مراد بر گرفت و بار دیگر منت خدای را بر سرم دیدم که از غیب و ملکوتش شاهد دیگری بر حقانیت دعوت یمانی، دعوت سید احمد الحسن برایم فرستاد.

**هدف از نقل این رؤیا اثبات حقانیت دعوت یمانی نیست؛ چراکه این دعوت با دلایل بسیار اثبات شده است، هدف پرداختن به آیه آخر سوره تکاتر است و نعمت عظیمی که درباره‌اش بازخواست می‌شویم. برای عاقل اشاره‌ای کافی است. این نعمت عظیم کدام است؟ چه نعمتی است که در روز بازگشت باید درباره‌اش حساب پس داده و مؤاخذه شویم؟**

## تفسیر آیه

محمد حسین طباطبایی در کتاب تفسیر المیزان خود

می‌نویسد:

**(ثم لتسألن يومئذ عن النعيم؛**

... همچنین از ظاهر سیاق برمی‌آید که مراد از (نعیم)، مطلق نعمت‌هاست؛ یعنی هر چیزی که کلمه (نعمت) بر آن صادق باشد، پس هر انسانی از هر نعمتی که خدا به او داده بازخواست خواهد شد.

برای اینکه نعمت یعنی هر چیزی که سازگار با زندگی و کمال منعم علیه است، و به نوعی خیر و منفعت او را تضمین می‌کند. وقتی نعمت می‌شود که در موردی استعمالش کند که این استعمال سعادت برای او باشد، و از آن سعادت سود ببرد، اما اگر در خلاف آن به کار ببرد، مثلاً نعمت آب را در سوراخ گوش خود بریزد دیگر نعمت نیست چون آب سازگار با گوش نیست، هرچند که خودش فی‌نفسه نعمت است.

و خدای تعالی انسان را

اینکه در برابر آن‌ها مسئولیت سنگین دارند؛ و چگونه ممکن است از این نعمت‌ها سؤال نشود درحالی‌که سرمایه‌های بزرگی هستند که در اختیار بشر قرار داده شده، و باید از هر کدام دقیقاً قدردانی کنند و شکر آن را به جای آورند، و در موارد خود صرف کنند.» [۳]

تفاسیر سید محمدحسین طباطبایی و ناصر مکارم شیرازی را با هم مرور کردیم. پاسخ‌های دیگر مفسرین هم شبیه آنان است، به همین دلیل ذکر همین دو تفسیر کافی است.

### معنای «نعیم» در کلام سید احمدالحسن

سید احمدالحسن در کتاب متشابهات خود می‌نویسد: «همان‌گونه که از اهل بیت روایت شده است، منظور از نعمت‌ها محمد و آل محمد هستند. بازخواست درباره‌ی ایشان در روز قیامت به خاطر شأن و منزلت عظیم آن‌ها نسبت به انبیا و فرستادگان پیش از آن‌هاست.» [۴]

بانگاهی به عالم ذر و امتحانی که در پیدایش نخستین صورت پذیرفت و طبق کلام رسول خدا ﷺ و اهل بیت عصمت و طهارت ﷺ متوجه می‌شویم این شأن و منزلت عظیم محمد و آل محمد ﷺ در اعطای آن چیزی است که خود در پیشگاه خداوند عطا کردند. آن هنگام که نفس‌های بنی‌آدم در عالم ذر، در صفوفی در محضر باری تعالی قرار گرفتند، نفوس محمد و آل محمد ﷺ پیش از آنکه ندای «الست بربکم» پروردگار به گوششان برسد، نور

ابوحنیفه از امام صادق (ع) درباره‌ی تفسیر این آیه سؤال کرد، امام (ع) سؤال را به او برگرداند، و فرمود: نعیم به عقیده‌ی تو چیست؟ عرض کرد: غذاست و طعام و آب خنک، فرمود: اگر خدا بخواهد تو را روز قیامت در پیشگاهش نگه دارد تا از هر لقمه‌ای که خورده‌ای، و هر جرعه‌ای که نوشیده‌ای، از تو سؤال کند باید بسیار در آنجا بایستی! عرض کرد: پس نعیم چیست؟ فرمود: ما اهل بیت هستیم که خداوند به وجود ما به بندگانش نعمت داده، و میان آن‌ها بعد از اختلاف الفت بخشیده، دل‌های آنان را به وسیله‌ی ما به هم پیوند داده، و برادر خود ساخته، بعد از آنکه دشمن یکدیگر بودند، و به وسیله‌ی ما آن‌ها را به اسلام هدایت کرده... آری، نعیم همان پیامبر ﷺ و خاندان اوست.

تفسیر این روایات ظاهراً مختلف، چنین است که نعیم يك معنای بسیار گسترده دارد که همه‌ی مواهب الهی را اعم از معنوی مانند دین و ایمان و اسلام و قرآن و ولایت، و انواع نعمت‌های مادی را اعم از فردی و اجتماعی شامل می‌شود، منتها نعمت‌هایی که اهمیت بیشتری دارند مانند نعمت ایمان و ولایت، بیشتر از آن‌ها سؤال می‌شود که آیا حق آن‌ها ادا شده یا نه؟ و ظاهراً روایاتی که نعمت‌های مادی را از شمول این آیه نفی می‌کند ناظر به این معناست که شما نباید مصداق‌های مهم‌تر را رها کرده به مصداق‌های کوچک‌تر روی آورید، و در حقیقت هشدار است به مردم در زمینه‌ی سلسله‌مراتب مواهب و نعمت‌های الهی و

آفریده، و غایت و هدف نهایی از خلقتش را که همان سعادت او و منتهی درجه کمال اوست تقرب عبودی به درگاه خود قرار داده، همچنان که خودش فرمود: **(و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون)**، و این تقرب عبودی همان ولایت الهی نسبت به بنده‌اش است، و خدای سبحان تمامی آنچه مایه‌ی سعادت اوست و از آن در سلوکش به سوی غایتی که برای آتش خلق کرده منتفع می‌شود، و آن عبارت است از: همه‌ی نعمت‌های ظاهری و باطنی که در اختیار او نهاده... .

پس سؤال از عمل بنده سؤال از نعیم الهی است که به چه صورت مصرفش کرد، آیا شکر نعمت را به جای آورد، یا آن را کفران نمود؟» [۲]

او می‌گوید: منظور از نعیم، مطلق نعمت‌هاست و هر نعمتی باید در موارد خودش استعمال شود.

ناصر مکارم شیرازی نیز در کتاب تفسیر نمونه خود در تفسیر آیه ۸ سوره تکوین می‌نویسد:

«در قیامت از چه نعمت‌هایی سؤال می‌شود؟ در آخر آیه این سوره خواندیم که مسلماً همه‌ی شما روز قیامت از نعمت‌ها بازپرسی خواهید شد، بعضی گفته‌اند منظور از این نعمت سلامت و فراغت خاطر است، و بعضی آن را تندرستی و امنیت می‌دانند و بعضی همه‌ی نعمت‌ها را مشمول آیه شمرده‌اند.

در حدیثی از امیر مؤمنان علی (ع) می‌خوانیم: النعیم الرطب، و الماء البارد: نعیم رطب و آب خنک است. درحالی‌که در حدیث دیگری می‌خوانیم که

کسانی که اطاعتشان بر پیامبران و فرستادگان و سایر بنی آدم واجب شد و اطاعت از آنان همان اطاعت و فرمان‌برداری از امر خداوند است. خوشا به حال کسانی که در عالم پیدایش نخستین با آنان پیمان بستند و در عالم دنیا یاری‌شان کردند؛ چراکه بهترین‌های عالم از انبیا و فرستادگان خلق شدند برای یاری آنان. [۱].

الحمد لله على نعمة ولاية محمد و آل محمد (ائمه و مهد بين (عج))

**منابع:**

۱. تکاثر، ۸.

۲.



۳.



۴. سید احمد الحسن، متشابهات، ج ۲، سؤال ۷۶.

۵. امام صادق (ع) فرمود: از رسول خدا (ص) پرسیده شد به چه علت از همه فرزندان آدم پیش افتادی؟ فرمود: «زیرا من نخستین کسی بودم که با [گفتن] «بله» اقرار کرد؛ خدا از پیامبران پیمان گرفت و آنان را بر نفس‌هایشان گواه ساخت که مگر من پروردگار شما نیستم؟ گفتند: بله؛ و در آنجا من نخستین کسی بودم که پاسخ گفتم.» (بصائر الدرجات، صفار، ص ۱۰۶).

۶. ر.ک: اصول کافی، کلینی، ج ۲، ص ۱۰. ج ۵، ص ۲۴۴.

۷. اصول کافی، شیخ کلینی، ج ۲، ص [۸]. ر.ک: سید احمد الحسن، متشابهات، ج ۱، سؤال ۱۷.

۹. سید احمد الحسن، متشابهات، ج ۲، سؤال ۷۶.

۱۰. (وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْنَاكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَضْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَيَّ ذَلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَضْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَإِنَّمَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ.) (آل عمران، ۸۱)

اسلامی روشن کردند؛ ولی با کمال تأسّف امت از آن‌ها روی برگردانید و به سیره و روش آن‌ها اقتدا نکرد؛ اما بقیه انبیا و فرستادگان، همانند شمع‌هایی بودند که راه را برای امت‌های خود روشن ساختند و از همین رو خداوند سبحان و متعال هشدار می‌دهد که از این امت درباره‌ی محمد و آل محمد (ع) بازخواست خواهد کرد.

راهی که با شمع‌هایی روشن می‌شود همانند راهی نیست که با خورشیدها روشن می‌شود و آن‌کس که سرگردان می‌شود و راهش را گم می‌کند، درحالی‌که این راه با خورشیدهای روشن و تابان روشن شده، سزاوارتر است به اینکه مورد حساب و عتاب قرار گیرد و سپس مجازات شود.» [۹]

**سخن پایانی**

**نعمتی که در قیامت از آن بازخواست می‌شویم محمد و آل محمدند، نه مطلق نعمت‌ها؛ نه آب و غذایی که می‌نوشیم و می‌خوریم... «نعیم» محمد و آل محمدند کسانی که اگر نبودند هیچ‌کدام ما نبودیم، نه فقط ما که هیچ خلقی و هیچ عالمی نبود: «ای احمد، اگر تو نبودی افلاک را خلق نمی‌کردم، اگر علی نبود تو را خلق نمی‌کردم و اگر فاطمه نبود، شما دو تن را نمی‌آفریدم.» از وجود آنان است که ما نیز وجودی داریم. آنان که خود وجود مبارکشان قائم به خداوند است. آنان که پیشگام در عالم ذر بودند و رستگاران و مقربان در پیدایش نخستین و برترین خلق و امینان خداوند، حاملان علم و دین، ترجمان وحی و... در عالم دنیا.**

را از پشت پرده‌ها دیدند حتی قبل از اینکه نور تراوش کند، و به معدن عظمت رسیدند و به پروردگار خویش لبیک گفتند. آنان کسانی بودند که همه وجودشان را به سمت فیض الهی متمرکز کردند و ارواحشان به ملاً اعلی آویخته بود و در عالم ذر پیشگامان در اقرار به ربوبیت خداوند بودند. محمد (ص) پیروز مسابقه بود [۵] و خاندانش نیز جزو پیشی‌گیرندگان در آن مسابقه بودند (السابقون السابقون اولئک المقربون) و سایر انبیا و فرستادگان در مراتب بعد از آنان قرار گرفتند؛ تاجایی‌که محمد و آل محمد (ع) حاملان علم و دین خدا و امینان او در میان خلق شدند. [۶] آنان کسانی‌اند که در عالم ذر به ولایتشان از سایر پیامبران عهد و میثاق گرفته شد. [۷]

با توجه به این تفصیل آیا کسی را جز محمد و آل محمد (ع) می‌شناسید که چنین فضیلت و برتری نسبت به سایر خلائق داشته باشند؛ «برحسب آنچه عطا کردند به آنان اعطا شد.» [۸]

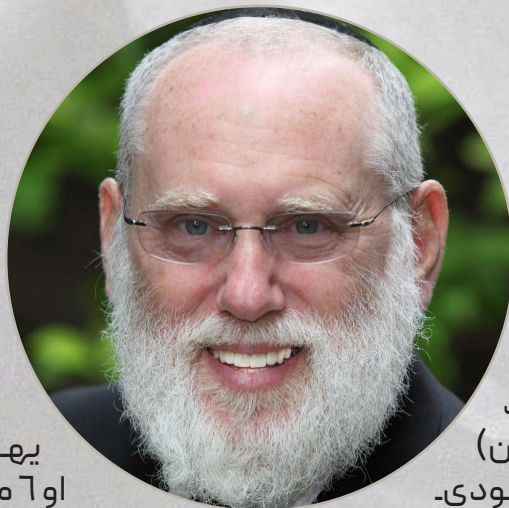
سید احمد الحسن می‌فرماید: «انبیا و فرستادگان و محمد و آل محمد (ع) انواری هستند که راه را برای امت‌های خویش روشن ساختند و به وسیله آن‌ها راه خداوند سبحان و متعال شناخته می‌شود و با سیره و منهج و حکمت و سخنان و کردار آن‌ها، حق از باطل بازشناخته می‌شود، و محمد و آل محمد (ع) نور خداوند سبحان و متعال‌اند. آن‌ها (ع) چون خورشیدهایی هستند که راه را برای امت

# نقد و بررسی معیارهای مسیح شناسی کراویتز

قسمت اول

## تبار و وابستگی قومی از راه مادر نیز منتقل می شود

به قلم: یروشوع ربوبی



### پیشگفتار

در باور یهودیان مسیح را از روی نشانه هایی چون ساختن معبد، جمع آوری یهودیان از سرتاسر جهان و آوردن صلح بر زمین باید شناخت؛ که بن صیون (بن صهیون) کراویتز [۱] یکی از ربای های یهودی در دفترچه راهنما برای مقابله با تبلیغات میسیونری [۲] به آن ها اشاره می کند؛ در این مقاله قصد دارم معیارهایی را که او گفته است بررسی و نقد کنم.

### مختصری درباره بن صیون کراویتز

او صاحب نظر شناخته شده در زمینه جدل های مربوط به الهیات یهودیت و مسیحیت و یکی از بنیان گذاران «یهودیان برای یهودیت، بین المللی» [۳] و مدیر اجرایی شاخه لس آنجلس این سازمان است. او به عنوان مدرس، برنامه های گوناگونی در تلویزیون و رادیو داشته و در سراسر ایالات متحده آمریکا، شوروی سابق، آفریقای جنوبی، استرالیا و فلسطین اشغالی سخنرانی های متعددی را اجرا کرده است.

### بررسی معیار اول کراویتز

بن صیون کراویتز در دفترچه راهنما برای مقابله با تبلیغات میسیونری می گوید: «معیارهای لازم برای مسیح یهود» [۴]

او ۶ معیار را برمی شمارد و می گوید: (۱) یهودی باشد (تثنيه ۱۷:۱۵؛ اعداد ۱۷:۲۴) [۵]. می گویم:

درباره اینکه مسیح باید «یهودی باشد»، اگر منظور او این است که مسیح باید فقط از فرزندان یهودا و یعقوب عليه السلام باشد و نباید حتی ریشه ای از بنی اسماعیل در او باشد، صحیح نیست؛ زیرا هیچ حصری درباره آن وجود ندارد. برای توضیح بیشتر به دو آدرسی که او قرار داده است دقت کنیم:

اولین، تثنيه ۱۷:۱۵ است که در آن می خوانیم: (البته پادشاهی را که یهوه خدایت برگزیند بر خود نصب نما. یکی از برادرانت را بر خود پادشاه بساز، و مرد بیگانه ای را که از برادرانت نباشد، نمی توانی بر خود مسلط نمایی). یهودیان معتقدند که مسیح پادشاه است؛ گویا بن صیون می خواهد از تثنيه ۱۷:۱۵ اثبات

در معیار دوم خود ادعا کرد که او باید از اخلاف مستقیم و مذکر داوود و سلیمان علیهم‌السلام باشد که این باور نیز دقیق نبود و تبار و وابستگی قومی از راه مادر نیز منتقل می‌شود. به هر حال آنچه از متون می‌آموزیم این است که او می‌تواند از نوادگان پسری اسماعیل و از نوادگان دختری داوود و سلیمان علیهم‌السلام باشد و در این باور اشکالی وجود ندارد.

#### منابع:

۱. Bentzion kravitz.

۲.



۳. JEWS FOR JUDAISM, International.

۴. دفترچه راهنما برای مقابله با تبلیغات میسیونری، ص ۲۹.

۵. همان، ص ۳۰.

۶. ر. ک: تثنیه ۲: ۴.

۷. چرا که اسماعیل علیهم‌السلام برادر اسحاق علیهم‌السلام بود و بنی‌اسماعیل و بنی‌اسحاق (یا به عبارت دیگر بنی‌اسرائیل) می‌توانند برادران یکدیگر خطاب شوند.

۸. اعداد ۲۴: ۱۷.

۹. همان، ص ۳۰.

۱۰. (و شیشان را پسری نبود لیکن دختران داشت و شیشان را غلامی مصری بود که یرحاع نام داشت. ۳۵ و شیشان دختر خود را به غلام خویش یرحاع به زنی داد و او عتای را برای وی زایید. ۳۶ و عتای ناتان را آورد و ناتان زاباد را آورد. ۳۷ و زاباد افلال را آورد و افلال عوبید را آورد. ۳۸ و عوبید بیهو را آورد، بیهو عزریا را آورد. ۳۹ و عزریا حالص را آورد و حالص العاشه را آورد. ۴۰ و العاشه سسمای را آورد و سسمای شلوم را آورد. ۴۱ و شلوم یقمیا را آورد و یقمیا ایشمع را آورد.) (تواریخ، فصل ۲).

۱۱. (اما در ماه هفتم واقع شد که اسماعیل بن نتنیا ابن ایشمع که از ذریت پادشاه بود، به اتفاق ده نفر آمدند و جدلیا را زدند که بمرد و یهودیان و کلدانیان را نیز که با او در مصف‌ه بودند (کشتند). ۲ پادشاهان ۲۵: ۲۵. | (و در ماه هفتم واقع شد که اسماعیل بن نتنیا ابن ایشماع که از نسل پادشاهان بود، با بعضی از رؤسای پادشاه و ده نفر همراهش نزد جدلیا ابن ایخیمام به مصف‌ه آمدند و آنجا در مصف‌ه با هم نان خوردند.) (ارمیا ۱: ۴۱).

۱۲. (عصا از یهودا دور نخواهد شد. و نه فرمان‌فرمایی از میان پای‌های وی تا شیلو بیاید. و مرا و را اطاعت امت‌ها خواهد بود.) (پیدایش ۴۹: ۱۰). (زیرا یهودا بر برادران خود برتری یافت و پادشاه از او بود؛ اما نخست‌زادگی از آن یوسف بود.) (تواریخ ۵: ۲). | (لیکن یهوّه خدای اسرائیل مرا از تمامی خاندان پدرم برگزیده است که بر اسرائیل تا ابد پادشاه بشوم؛ زیرا یهودا را برای ریاست اختیار کرد و از خاندان یهودا خاندان پدر مرا و از فرزندان پدرم مرا پسند کرد تا مرا بر تمامی اسرائیل به پادشاهی نصب نماید.) (تواریخ ۲۸: ۱۴). | (جلعاد از آن من است، منسی از آن من. افرایم خود سر من است و یهودا عصای سلطنت من.) (مزامیر ۷: ۶).

کند که مسیح باید از بنی‌اسرائیل باشد! اما عبارت (برادرانت) می‌تواند برادران بنی‌اسرائیل را نیز دربرگیرد؛ همان‌طور که می‌دانیم بنی‌عیسو برادران بنی‌اسرائیل خطاب شده‌اند. [۶] پس بنی‌اسماعیل نیز می‌توانند برادران بنی‌اسرائیل خطاب شوند. [۷]

اما دومین، پیشگویی بلعام بن بعور است: (او را خواهم دید لیکن نه الآن. او را مشاهده خواهم نمود اما نزدیک نی. ستاره‌ای از یعقوب طلوع خواهد کرد و عصایی از اسرائیل خواهد برخاست و اطراف موآب را خواهد شکست. و جمیع ابنای فتنه را هلاک خواهد ساخت.) [۸] در اینجا نیز حصری را نمی‌بینیم.

در نتیجه با توجه به نکته‌ای که پیش‌تر تقدیم شد، همچنین این متن، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که مسیح موعود می‌تواند هم از نسل یعقوب علیهم‌السلام و هم از اسماعیل علیهم‌السلام باشد.

### بررسی معیار دوم کراویتز

او معیار دوم را این‌گونه می‌نویسد:

«عضو قبیله یهودا (پیدایش ۴۹: ۱۰) و از اخلاف مستقیم و مذکر داوود پادشاه (اول تواریخ ۱۷: ۱۱-۱۲: ۷) و نیز از اخلاف سلیمان پادشاه باشد. (اول تواریخ ۲۲: ۱۰؛ دوم تواریخ ۷: ۱۸)» [۹]

می‌گوییم:

باور بن‌صهیون به اینکه مسیح باید حتماً از نوادگان مستقیم و مذکر داوود و سلیمان باشد، به این علت که تبار و وابستگی قومی فقط از راه پدر منتقل می‌شود، باور دقیقی نیست؛ زیرا نسب از طریق دختر شیشان به نسلش رسید؛ خلاصه، شیشان از نسل یهودا بود و پسری نداشت؛ اما غلامی مصری به اسم یرحاع داشت که دخترش را به ازدواج او درآورد [۱۰] و ما در کتاب مقدس به روشنی این موضوع را می‌بینیم که نسب از طریق دخترش منتقل شد و فردی به اسم اسماعیل که از نوادگان این دختر بود از نسل پادشاهان محسوب شد. [۱۱] نسل پادشاهان یعنی نسل یهودا. [۱۲]

### نتیجه‌گیری

بن‌صیون ادعا کرد که مسیح یا آن منجی موعود که منتظرش هستند، باید یهودی باشد که این ادعا با توجه به «تنخ» قابل رد است. او همچنین





# آیا اساس دین، امام معصوم است؟

**جایگاه بی بدیل امام مهدی (علیه السلام) در ثبات هستی**  
به قلم: کاظم محمدی

از آنجایی که این طرز فکر، امام مهدی (علیه السلام) را آخرین حجت خدا به شمار می آورد و به مهدیین (علیهم السلام) اعتقاد ندارد، باید به این سؤال پاسخ دهند: «مگر نمی دانید که اگر حجت خدا نباشد زمین اهلش را فرو خواهد برد؟» [۱] یعنی اگر برای بقای نظام بخواید امام زمان (علیه السلام) را فدا کنید، طبق اعتقاد خودتان زمین و از جمله نظام مدنظران نیز از بین خواهد رفت. یعنی چیزی را فرض گرفتید که شما را نه تنها به هدفتان نمی رساند، بلکه طبق اعتقاد خودتان، شما و تمام بشر را نیز از بین خواهد برد. آنچنان که مرحوم سید محمد باقر صدر می گوید: «از حجیتش عدم حجیتش لازم می آید.» [۲]

این تعارض و پارادکس تنها یک راه حل برای معتقدینش برجای میگذارد و آن این است که آنها معتقد شوند بعد از امام زمان (علیه السلام) زمین از حجت خالی نشده ولی حجتی که واسطه فیض است، نه مهدیین مذکور در وصیت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، بلکه خود این آقایان هستند.

برای آنان که نگاه و روش علمی دارند مهم خواهد بود که چگونه ممکن است این نتیجه بدون استناد به آیه ای محکم یا روایتی متواتر پذیرفته شود؟ و آنان که انصاف دارند را نیز به فکر وامی دارد که اگر بنا باشد بعد از امام مهدی (علیه السلام) حجتی باشد، چرا مهدیین (علیهم السلام) با تمامی ادله محکم و متواتر، جانشین امام مهدی (علیه السلام) نباشند و دیگرانی بدون حتی یک حدیثی که تأییدشان کند، شدند حجت

جمله معروفی که طی چند دهه گذشته از سپهر سیاست و دیانت مردم حذف نشد و هرگاه در حال کم رنگ شدن بود کسی از راه رسید و به آن حیات دوباره ای بخشید، اعتقادی اسف بار است عبارت از اینک: «حفظ نظام از حفظ جان یک نفر ولو آن یک نفر امام زمان باشد واجب تر است.»

این مسئله اگر اشتباهی و سهوی بود، می توانستیم با مماشات از کنار آن بگذریم و اجازه دهیم تاریخ آن را به فراموشی بسپارد. اما از آنجایی که پیروان این تفکر سیاسی از این سخن اعراض نکرده و آن را رها نمی کنند، بلکه به آن شاخ و برگ داده و این جمله را چنان با آب و تاب بیان می کنند که گویی اصلی از اصول دین را ترویج و تبلیغ می کنند، مجبوریم به آن پرداخته و آن را نقد کنیم.

بعضی از معتقدین به این طرز فکر که احیاناً از ذات نازیبای آن هم باخبرند و در عین حال می خواهند همچنان و به هر قیمتی در ساختار سیاسی نقش ایفا کنند، به جای نقد و نفی این فکر، اقدام به توجیه و تفسیر آن می کنند. از جمله اینکه «همان طور که امام حسین (علیه السلام) جان خود را برای حفظ اسلام فدا کرد، امام زمان (علیه السلام) نیز همین کار را خواهد کرد.»

اما قبل از هر چیز می خواهیم نگاهی علمی به این نوع تفکر بیندازیم و سپس به توجیهات حامیان آن نیز خواهیم پرداخت.

### بعد از امام مهدی (عج)؟

اما اجازه دهید از واضحات و بدیهیات کمی آن سوتر برویم و از آنان پرسیم که مگر شما نمی گفتید بنا بر اضطرار جای حجت خدا را گرفتید و برای اینکه مردم تکالیف شرعی خود را بدون افتادن به عسر و حرج انجام دهند به فتوا دادن و احکام ظاهری و ثانویه تن دادید؟ [۳]

همان طور که در تعریف احکام ظاهری گفته شد «احکام ظاهری به این معناست که وقتی ما حکم واقعی را نمی دانیم، به آنچه نسبت به حکم بودن آن گمان داریم عمل می کنیم.» [۴] حال چه شد احکامی که از روی اجبار و استیصال و به اقرار خودتان از روی ظن و گمان صادر شده اند، جای احکام واقعی را گرفته و حتی آن قدر مهم اند که می خواهید برای بقای بر این ظن و گمان جان امام زمان (عج) را بگیریید؟

هرکسی اندکی با دین آشنایی داشته باشد می داند که در بودن آب تیمم باطل است و حتی اگر ما پذیریم که شما همانند تیمم جایگزین امام زمان (عج) شدید، آیا می توان پذیرفت حال که آب پیدا شده، بگوییم بیابید آب را هدر دهیم تا تیمم کردن شرعی شود؟

با این اوضاع چرا انکار می کنید [۵] که شما همان کسانی هستید که به جنگ با امام قائم (عج) می روید؟ «عَنْ أَبِي الْجَارُودِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، قَالَ: سَأَلْتُهُ، مَتَى يَقُومُ قَائِمُكُمْ؟..... وَ يَسِيرُ إِلَى الْكُوفَةِ، فَيَخْرُجُ مِنْهَا سِتَّةَ عَشَرَ أَلْفًا مِنَ الْبُتْرِيَّةِ، شَاكِينَ فِي السَّلَاحِ، قُرَاءَةَ الْقُرْآنِ، فَقَهَاءَ فِي الدِّينِ، قَدْ قَرَجُوا جَبَاهَهُمْ، وَ شَمَّرُوا ثِيَابَهُمْ، وَ عَمَّهُمُ النَّفَاقُ، وَ كَلَّمَهُمْ يَقُولُونَ: يَا ابْنَ فَاطِمَةَ، ازْجِعْ لَا حَاجَةَ لَنَا فِيكَ» ابو جارود گوید از امام باقر (عج) پرسیدم چه وقت قائمتان قیام می کند؟..... امام باقر (عج) فرمود: و به سمت کوفه می رود، شانزده هزار نفر از بتریه از کوفه خارج می شوند، همگی مسلح، قاریان قرآن، فقیه در دین، پیشانی شان رازخمی و لباسشان را (برای آمادگی در جنگ) بالا زدند، نفاق آنها را در بر گرفته و همه شان می گویند: ای پسر فاطمه برگرد، نیازی به تو نداریم. [۶]

نویسنده در پی اثبات این نیست که آن شانزده هزار نفر کیستند؛ چراکه وقتی عده ای خود اقرار کردند و نه فقط اقرار، بلکه به آن افتخار می کنند که برای رسیدن به اهداف خود حاضرند حتی جان امام

زمان (عج) را نیز بگیرند دیگر جای چه بحثی باقی می ماند؟ اما خوب است به این نکته اشاره کنیم که ظاهراً این تناقض نیز به نظر این گروه فکری هیچ مشکلی پیش نمی آورد. تنها چیزی که باقی می ماند این است که ما نمی دانیم «اصولاً دوری از تناقض چه جایگاهی در تفکرات و رفتارهای شما دارد؟»

اما آیا آنچنان که برخی از دنباله روها و مروجین این طرز تفکر در توجیه آن می گویند، می توان در توجیه این جسارت به ساحت مقدس امام مهدی (عج) گفت: «همان طور که امام حسین (عج) برای دین فدا شد، امام مهدی (عج) هم می تواند یا باید برای دین فدا شود؟»

با این توضیح: **«باید دانست آن کسانی که راه را برای اجرای حدود و قوانین دین خدا بستند، همان کسانی بودند که امام حسین (عج) و یارانش را به قتل رساندند و اگر یزیدیان آن زمان اجازه می دادند امام حسین (عج) طبق آنچه خدا به او آموخت (و نه طبق آنچه یزید و اطرافیانش می خواستند یا می پنداشتند) عمل کند، آیا شهادت امام حسین (عج) ضروری بود؟ آیا اگر امام مهدی (عج) بخواهد طبق آنچه خدا به او امر کرده عمل کند و نماینده خود را مأمور به گرفتن بیعت و اصلاح حوزه و فساد مالی و اخلاقی آن کند، به این دلیل که با خواسته های شما سازگار نیست، حکمش قتل است؟»** پاسخ را به خوانندگان محترم می سپاریم.

### منابع:

۱. محمد بن حسن صفار، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمّد (عج)، مکتبه المرعشی النجفی - ایران، قم، چاپ: دوم، ۱۴۰۴ق. ج ۱، ص ۴۸۹.
۲. عَنْ سُلَيْمَانَ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا (عج) قُلْتُ تَخْلُو الْأَرْضَ مِنْ حُجَّةِ اللَّهِ قَالَ لَوْ خَلَّتِ الْأَرْضُ طَرْفَةَ عَيْنٍ مِنْ حُجَّةٍ لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا، سُلَيْمَانَ جَعْفَرِيّ گوید از امام رضا (عج) پرسیدم: آیا زمین از حجت خدای خالی می شود؟ امام رضا (عج) فرمود: «اگر زمین لحظه ای از حجت خالی شود، اهلش را فرو خواهد برد.»
۳. سید محمد باقر صدر، دروس فی علم الاصول، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق/ ۱۹۸۶م، دارالکتب اللبنانی، بیروت، لبنان، کتابخانه مدرسه، ج ۳، ص ۲۵۵.
۴. محمد حسین اصفهانی، بحوث فی الاصول، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۹هـ. ق، ج ۳، ص ۱۷.
۵. جعفر سجادی، فرهنگ معارف اسلامی، ج ۱، ص ۹۶.
۶. نجم الدین طبری، نقش علما در عصر ظهور امام زمان (عج)، ویراستار: محمد رضا غفوری، انتشارات مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم، تابستان ۱۴۰۰.
۷. محمد بن جریر بن رستم، طبری آملی صغیر، دلائل الإمامة (ط - الحدیث)، جلد ۱، بعثت - ایران، قم، چاپ: اول، ۱۴۱۳ق. ص ۴۵۶.

# دعوتی غریبانه برای پدر

## نگاهی گذرا به برخی از دلایل دعوت سید احمدالحسن

به قلم: نوردخت مهدوی

### مقدمه

می‌گویند: او تحت تعلیم انگلیس و اسرائیل بوده؛ صهیونیستی یا وهابی است؛ داعشی است؛ با دستگاه جاسوسی عراق مرتبط است؛ به امام حسین علیه السلام توهین کرده؛ علی علیه السلام را در خسران می‌داند؛ گفته است من خودِ امام مهدی‌ام؛ وحدت شیعه و سنی را از بین برده است و در نهایت هدفی ندارد جز از بین بردن تشیع. در این میان برق درخشش دلارها پیروانش را کور کرده و او را همچون خدا می‌پرستند. از این عقیده برای مردم هیولایی ترسناک می‌سازند و با به گردش درآوردن آسیاب دروغ‌هایشان آنان را از ترس اینکه مبادا همان ذره ایمانی را که دارند بر باد دهند، به غفلت کشانده و وارد دره عمیق تاریکی می‌کنند. می‌گویم تاریکی چون نور را از مردم می‌گیرند. مثل برخی از مادران درمانده‌ای رفتار می‌کنند که فرزندانشان را از «لولو» می‌ترسانند؛ لولویی که حداقل ما دهه شصتی‌ها هیچ‌وقت آن را ندیدیم، اما همیشه در دوران کودکی، بخشی از ذهن ما را به خود مشغول کرده بود که مبادا بیاید و ما را ببرد! ترسناک

است ولی حقیقی نیست. رفتار این جماعت هم همین‌گونه است؛ کاملاً ناپخته و غیرمنطقی و از سر درمانگی و فلاکت، با بازی کردن با الفاظ می‌خواهند مردم را از حقیقتی روشن دور سازند. در این مجال مختصر قصد داریم به ادعای سید احمدالحسن بپردازیم و به اختصار دلایلش را بررسی کنیم و ببینیم آیا آنچه در نبردهای ناجوانمردانه با کلمات ترسناکِ غیرواقعی بر او هجمه وارد کرده‌اند درست است یا سرابی است که فرد را از واقعیت دور می‌کند و مانع رسیدن او به گوارایی حقیقت می‌شود.

«حقیقت تنها چیزی است که شایستگی دارد به خاطرش زندگی و در راه آن فداکاری کرد.» [۱]

### دعوتی با ادعایی مشخص

می‌خواهم از دعوت سید احمدالحسن بگویم؛ دعوتی با ادعایی مشخص. صاحبش گفته است: «من وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام هستم... به نام امام مهدی علیه السلام به سوی شما آمده‌ام، و خواسته خویشتن را دنبال نمی‌کنم، بلکه خواسته کسی را خواستارم که مرا فرستاده است...»



شده‌ایم که حق تعیین جانشین را از مالک ملک گرفتیم و خشنود شدیم به انتخاب کسانی که دورترین افراد از خدا و انتخابش هستند.

**(... إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً...)** از این کلام وحی به راحتی گذر نکنیم. او خود جانشینانش را منصوب می‌کند؛ چگونه؟ به طور مشخص برای اولین خلیفه‌اش آدم علیه السلام در حضور ملائکه او را معرفی می‌کند (بر او نص می‌کند؛ نصی مستقیم) تا جایی که ملائکه اعتراض کرده و خود را برتر می‌بینند و خداوند به آنان تلنگر می‌زند: **«أَنْتُمْ مَن مِّنِّي دَانِمٌ شَمَا نَمِي دَانِيْدُمْ»**. آن هنگام

علم اسماء را در آدم به ودیعه می‌گذارد **«وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»** [۴]. آدمی که بر صورت خدا سرشته شد. [۵] یعنی خداوند سبحان به انسان این قابلیت را داده است که بتواند اسماء الله را حمل کند و جلوه‌ای از خدا شود و حتی اسماء در او تجلی یابند تا او به مقام وجه الله و خلیفه الله در زمین نائل آید.

**(قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ الْغَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ\* وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ)** [۶] (فرمود: ای آدم ایشان را از اسماء آنان خبر ده و چون [آدم] ایشان را از اسماءشان خبر داد فرمود: آیا به شما نگفتم که من نهفته آسمان‌ها و زمین را می‌دانم و آنچه را آشکار و پنهان می‌داشتید می‌دانم\* چون فرشتگان را فرمودیم برای آدم سجده کنید پس به جز ابلیس که سر باز زد و کبر ورزید و از کافران شد [همه] به سجده در افتادند).

آدم علیه السلام به دستور خداوند، ملائکه را از آنچه نمی‌دانستند مطلع کرد و آنان دانستند او از آنان برتر است و با فرمان خداوند همگی به جز ابلیس متکبر، بر او سجده کردند. این سجده‌گزار بر آدم علیه السلام به معنای تسلیم امر خدا در خصوص انتخاب خلیفه بود؛ اینکه خدا با پذیرفتن خلیفه‌اش پرستش می‌شود.

این سه رکن جهت تنصیب خلیفه الهی توسط حکیم مطلق صادر شد: (معرفی خلیفه از جانب خدا، اعلم بودنش و امر به اطاعت از او). ما به

پدرانم ائمه علیهم السلام اسم و نسب و صفات و مسکن مرا ذکر کردند.» [۲]

بنابراین ادعای سید احمدالحسن مشخص است. پس به جای نبردهای ناجوانمردانه و تهمت و افترا و دروغ و سخنان پوچ و توخالی که درون مایه‌ای ندارند، باید پرسید: آیا او برای ادعاهایش دلیلی ارائه کرده است؟ پاسخ آری است. بله او با دلایلی آمده که در هیچ کس جز صاحبش جمع نخواهد شد. با قانون ثابت قرآنی آمده که هر رسولی با خود داشته و محل تمایزش با سایر مدعیان دروغین بوده است. او را رسول ختمی مرتبت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله در وصیت مبارکش معرفی کرده همان گونه که علی علیه السلام و سایر ائمه علیهم السلام را معرفی کرده است. او صاحب علم الهی است؛ علمی که از امام مهدی علیه السلام در او به ودیعه گذاشته شده و دیگران محال است از آن بهره‌ای داشته باشند. او خواستار «حاکمیت خدا» بر زمین است؛ حاکمیتی که هدف همه انبیا و اوصیای الهی بوده است و برپایی‌اش یعنی نشر توحید و پرستش خدا در زمین؛ زیرا خداوند به وسیله مهدی دین خود را پیروز می‌گرداند و دولت خود را آشکار می‌سازد و از دشمنان خویش انتقام می‌گیرد؛ پس او عبادت خواهد شد، چه از روی میل و رغبت و چه با اکراه؛ و این امر در سایه‌سار حکومت امام مهدی علیه السلام و فرزندانش (مهدیین علیهم السلام) محقق خواهد شد.

**روشن‌تر از آفتاب**

خداوند متعال در ثقل گران بهای قرآن، نشانی راه را برای اهل هدایت ترسیم می‌کند؛ آنجا که می‌فرماید:

**«وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَن يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ»** [۳] (و چون پروردگار تو به فرشتگان گفت: من در زمین جانشینی خواهم گماشت [فرشتگان] گفتند: آیا در زمین کسی را می‌گماری که در آن فساد انگیزد و خون‌ها بریزد و حال آنکه ما با ستایش تو [تو] را [تنزیه می‌کنیم و به تقدیست می‌پردازیم. فرمود: من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید].

خدای بی‌همتا به صراحت می‌گوید: «من خود در زمین خلیفه تعیین می‌کنم.» چه بی‌انصاف

«امام باقر علیه السلام فرمود: ... هرچیزی برای شما ایجاد اشکال یا شبهه کند عهد و پرچم و سلاح پیامبر خدا صلی الله علیه و آله جای هیچ‌گونه شبهه و اشکال برایتان باقی نمی‌گذارد ... برحذر باشید از کسانی که خود را به دروغ به آل محمد علیهم السلام نسبت می‌دهند که همانا برای آل محمد و علی علیه السلام پرچمی است و برای دیگران پرچم‌ها؛ پس در جای خود ثابت باش و ابداً از هیچ‌کسی تبعیت نکن تا مردی از فرزندان حسین علیه السلام را ببینی که با او عهد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، پرچم او و سلاحش باشد.» [۱۰]

**منظور از «عهد رسول خدا صلی الله علیه و آله» همان وصیت مبارک ایشان است** همان‌گونه که امام صادق علیه السلام فرمود:

«آیا فکر می‌کنید فردی از ما که وصیت می‌کند، به هر شخصی که خودش دوست دارد وصیت می‌کند؟! به خدا قسم نه! این عهدی است از خدا و پیامبرش صلی الله علیه و آله، تا اینکه امر به صاحبش برسد.» [۱۱]

**حال، به نظر شما مدعی دروغین می‌تواند همراه همان دلایل و مستندات بیاید که مخصوص شناخت صاحب حق است؟** درحالی‌که خود پیامبر صلی الله علیه و آله دربارهٔ وصیتش، کلماتی طلایی را به کار می‌برد که در هیچ‌کدام از روایت‌های صادره از ایشان نمی‌بینیم. ایشان صلی الله علیه و آله وصیت خویش را «نوشتار بازدارنده از گمراهی تا روز قیامت» [۱۲] معرفی می‌کند. یعنی ضمانت می‌دهد که دستاویز نجات امت از فتنه‌ها همین وصیت است؛ وصیتی که مورد خشم عمر و فرقهٔ تبه‌کارش بود؛ تاجایی‌که همه‌به‌راه انداخت [۱۳] تا مبدا آنچه در غدیر به صورت شفاهی از زیر گوش‌هایش رد شده بود، حالا مکتوب شود و نه تنها نام علی علیه السلام که نام همهٔ اوصیای رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن ثبت شود! او تلاش خود را کرد، اما وقتی قرار است نوشته‌ای حافظ و ضامن امت از گمراهی شود، همه چیز آن‌گونه رقم می‌خورد که خدای رحمان و رسولش می‌خواهند و این نوشتار در شب وفات حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله رسول مکرّم اسلام در حضور برترین شاهدان (سلمان، مقداد و اباذر) مکتوب شد تا امروز چراغ روشنی باشد در تاریکی‌هایی که پیش‌روی امت مسلمان قرار داده‌اند. و در این نوشتهٔ تضمین شده **نام مهدی اول (احمد) می‌درخشد؛ او که اولین مؤمنان و مقربان است** [۱۴] و با همین توصیف باید پیش از ظهور پدرش

این سه رکن می‌گوییم: **ارکان شناخت خلیفهٔ خدا یا قانون شناخت حجت الهی یا روش امام شناسی.**

آدم علیه السلام با نص و معرفی مستقیم خداوند خلیفه شد و انبیا و اوصیای بعد از او با نص و معرفی‌نامه یا وصیت انبیای پیش از خود معرفی می‌شوند و آنکه صاحب وصیت باشد، دو رکن بعد هم از آن او خواهد بود.

(وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا اأَنْتَى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ) [۷] (پیغمبرشان [سموئیل] به آنها گفت: خداوند طالوت را به پادشاهی شما برانگیخت. گفتند که از کجا او را بر ما بزرگی و شاهی رواست در صورتی که ما به پادشاهی شایسته‌تر از او ایم و او را مال فراوان نیست. رسول گفت: خداوند او را برگزیده و در دانش و توانایی و قوت جسم فزونی بخشیده، و خدا ملک خود را به هر که خواهد بخشد، که خدا به حقیقت توانگر و داناست).

در روایات محمد و آل محمد علیهم السلام هم به این ارکان اشاره شده؛ **زیرا این امر سنتی است از جانب خدای متعال که در آن تغییر و تبدیلی نخواهی یافت؛** روایاتی همچون:

«(عبدالاعلی گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: چه حجتی [دلیلی] بر مدعی صاحب این امر است؟ فرمود: از حلال و حرام سؤال شود؛ سپس به سوی من آمد و فرمود: سه حجت [نشانه] است که هرگز در غیر از صاحب این امر جمع نخواهد شد؛ او نزدیک‌ترین مردم به کسی است که قبل از اوست، سلاح نزد اوست و صاحب وصیت آشکار است.» [۸]

«امام صادق علیه السلام فرمود: «... صاحب این امر با سه خصلت شناخته می‌شود که در کسی غیر از او نیست: او سزاوارترین مردم به نفر پیش از خود است، و او وصی اوست، و سلاح رسول خدا و وصیت ایشان نزد اوست، و این‌ها نزد من است و در آن اختلافی نیست...» [۹]

روایت سومی را می‌آورم که قوت قلبم بود در روزهای شک و تردید. شاید این حدیث سبب شود نوری در قلب شما هم شروع به تلالو کند و درخشش شبهه را از قلبت بزدايد:

به عنوان شاهد مثال بسنده کردیم. جهت اطلاع بیشتر از این وصیت مبارک به کتاب الغیبة شیخ طوسی ص ۳۰۰ مراجعه کنید).  
سید احمد الحسن می‌گوید:

«این وصیتی است که محمد رسول الله ﷺ آن را در شب وفاتش نوشته است و از هزاران سال پیش در کتاب‌ها موجود است. هرکسی می‌تواند آن را بخواند و از آن آگاه شود، ولی برای افراد باطل ادعای آن امکان نداشته است با اینکه تعداد آنها زیاد است. خداوند هر مدعی دروغ‌گویی را از [ادعای به] وصیت بازداشته است؛ با اینکه تعداد زیادی مدعی پیامبری، امامت و مهدویت بودند، ولی هرگز برای آنها چنین امکانی وجود نداشت که حجاب خدا بر این وصیت را از بین ببرند و به وصیت ادعا کنند. این واقعیت مطلبی را که پیش‌تر گفتم تأکید می‌کند؛ اینکه توصیف این نوشتار به اینکه در ذات خودش بازدارنده از گمراهی است، به این معناست که فردی غیر از صاحب آن نمی‌تواند آن را ادعا کند؛ فردی که محمد رسول [الله] ﷺ آن را ذکر کرده است؛ در نتیجه هر فردی ادعای وصیت کند، راست‌گو و صاحب آن است.

این مطلب به عنوان دلیلی کامل و حجتی بر حقانیت این دعوت کافی است. هر فردی طالب حق است و می‌خواهد حق بودن این دعوت را بشناسد وصیت برای او کافی است؛ و اینکه من ادعا کردم که در آن ذکر شدم! دلایل بسیار دیگری نیز وجود دارد؛ مانند: علم به دین خدا و حقایق آفرینش و افراد و تک بودن در برافراشتن پرچم «البیعة لله» (بیعت فقط از آن خداست) و

بیاید (فرمایش پیامبر ﷺ در پایان وصیت مبارکش **(هو اول المؤمنین)** دلالت بر این دارد که وی (احمد) پیش از قیام امام مهدی (علیه السلام) حاضر است و گرنه صفت اولین مؤمنان بر او صدق نمی‌کند؛ او که زمینه‌ساز ظهور پدرش است؛ [۱۵] او که از ذریه مهدی (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) است؛ [۱۶] او که شمشیر را هشت ماه بر دوش خود حمل می‌کند؛ [۱۷] او که امیر «جیش الغضب، لشکر خشم» است؛ [۱۸] او که در بین رکن و مقام بیعت می‌گیرد برای پدر و یاران پدرش را جمع و تربیت می‌کند؛ [۱۹] او که اولین قائم اهل بیت (در زمان ظهور) است که با سختی‌ها مواجه می‌شود و انکارش می‌کنند؛ [۲۰] او که قائم مخفی است؛ [۲۱] او که از «مدینه بصره» است؛ [۲۲] او که امام مردم است؛ [۲۳] و ...

**این‌ها را من نمی‌گویم؛ همه‌اش از اهل بیت عصمت و طهارت است و البته بیش از این‌هاست.**

در بخشی از حدیث وصیت پیامبر ﷺ نوشته بازدارنده از گمراهی می‌خوانیم:

رسول الله ﷺ در شب وفات خویش به امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: «ای ابا الحسن، صحیفه و دواتی برای من بیاور و رسول الله ﷺ وصیت خویش را املا کردند و (امیرالمؤمنین (علیه السلام) آن را نوشتند) تا به اینجا رسیدند که فرمودند: ای علی، بعد از من دوازده امام و بعد از آنان دوازده مهدی است و تو ای علی اولین دوازده امامی... و این‌ها دوازده امام‌اند، سپس بعد از ایشان دوازده مهدی است. هنگامی که زمان وفاتش رسید، آن (خلافت) را به فرزندش اول مقربین تسلیم کند که سه نام دارد، نامی هم نام من و نام پدرم و آن عبدالله و احمد است و نام سومش مهدی است و او اولین

**مؤمنان است.**» (شایان ذکر است

تنها به ذکر بخشی از وصیت



سخن را با کلامی از این فرستادهٔ مظلوم به پایان می‌رسانم:

«من نزد آنها آمدم درحالی‌که نامم شبیه نام رسول الله ﷺ (احمد) است و نام پدرم شبیه نام پدر رسول الله (اسماعیل) است همان‌طور که در روایات به آن اشاره شده است [۲۷] و رسول (الله) ﷺ فرمود: «من فرزند دو قربانی هستم، عبدالله و اسماعیل.» [۲۸]

**برای شما نص تشخیصی آوردم که به این خصوصیت وصف شده است: بازدارنده از گمراهی برای کسی که به آن تمسک جوید. با علم آدمم، و منفرد و تک بودن در برافراشتن پرچم «البيعة لله».**

ای امت محمد ﷺ! از خدا بترسید و به حق اعتراف کنید و از خلیفهٔ خدا مهدی تبعیت کنید؛ همان فردی که رسول الله ﷺ شما را به یاری او فراخوانده است هرچند سینه خیز روی برف (و یخ‌ها). به وصیت یگانهٔ پیامبران ایمان آورید تا در دنیا و آخرت نجات پیدا کنید.» [۲۹]

### منابع:

۱. دکتر شیخ ناظم عقیلی، پیام صفحهٔ تویتر (ایکس فعلی)، ۲۰ دسامبر ۲۰۲۰ م:



۲. سید احمدالحسن، خطبهٔ نصیحتی به طلاب، ۸ ربیع الثانی ۱۴۲۶ ه.ق.
۳. قرآن کریم، سوره بقره، ۳۰.
۴. قرآن کریم، سوره بقره، ۳۱.
۵. «۲۶ و خداوند گفت: انسان را بر صورت خودمان بسازیم، شبیه خودمان ۲۷ پس خداوند انسان را بر صورت خودش آفرید...» (عهد قدیم، سفر پیدایش، باب ۱، ۲۷).
۶. قرآن کریم، سوره بقره، ۳۳ و ۳۴.
۷. قرآن کریم، سوره بقره، ۲۴۷.
۸. الکافی: ج ۱، ص ۲۸۴؛ الخصال: ص ۱۱۷؛ بحارالانوار: ج ۲۵، ص ۱۳۸.
۹. الکافی، ج ۱، ص ۴۲۸.
۱۰. تفسیر العیاشی: ج ۱، ص ۷۴؛ بحارالانوار: ج ۵۲، ص ۲۲۲؛ الزام الناصب: ج ۲، ص ۹۶.
۱۱. الکافی، ج ۱، ص ۲۷۷ و ۲۷۸.
۱۲. از سلیم بن قیس هلالی از امام علی ﷺ فرمود: به طلحه گفتم آیا شهادت می‌دهی وقتی رسول خدا دستور به آوردن صحیفه برای نوشتن داد؛ تا اینکه امت بعد آن هرگز گمراه نشوند، دوستت [عمر] گفت: همانا نبی

نیز نص مستقیم از جانب خداوند، با وحی به بندگان در رؤیا [۲۴] و سایر راه‌های شهادت خدا نزد مردم برای خلفای الهی در زمین، همان‌گونه که فرشتگان به خلافت آدم ﷺ به واسطهٔ وحی شهادت دادند. خداوند برای بسیاری از مردم جُداً از هم به‌گونه‌ای که هم‌دستی آنها بر دروغ محال است، شهادت داده که احمدالحسن حق و خلیفهٔ خدا در زمینش است.» [۲۵]

همان‌گونه که حضرت عیسی ﷺ برای معرفی خود به مردم به نص (وصیت) اوصیای پیش از خود احتجاج می‌کند (با وجود اینکه بلافاصله بعد از آنها نبود) و محمد ﷺ به نص عیسی ﷺ [۲۶]، سید احمدالحسن نیز بایگانه وصیت رسول الله ﷺ نزد مردم آمده است. آیا ادعای عیسی ﷺ و محمد ﷺ به نص اوصیای پیش از خود را باطل می‌دانید؟!

آری، نام سید احمدالحسن در این وصیت مقدس همچون نام مبارک علی بن ابی‌طالب و فرزندان طاهرش ﷺ چشم‌نواز و درخشنده است؛ وصیتی که تضمینی است از جانب رحمة للعالمین محمد مصطفی ﷺ و دستاویزی است معتبر برای کسانی که به آن تمسک جسته و خواهان هدایت در گردباد بلایا و فتنه‌های آخرالزمانی‌اند؛ وصیتی که برای صاحبش حفظ شد تا امروز جولان مخالفان و معاندان دعوت حق کاری از پیش نبرد.

### سخن پایانی

امروز صاحب این وصیت در میان ماست و ما را به پدرش امام مهدی ﷺ فرامی‌خواند و خواسته‌اش خواستهٔ اوست که در مسیر ارادهٔ خدا جاری است. مبادا با وجود ده‌ها دلیل که روشن‌تر از خورشید وسط ظهر است از او روی برگردانیم؟ مبادا همچون منتظران گذشته طردش کنیم؟! مبادا همچون مسلم حسین ﷺ رهایش کنیم؟! او آمده است برای زمینه‌سازی ظهور؛ برای پرورش ارواح مؤمنان و ارتقای آنان به غنای روحی و معرفتی؛ برای عدالت، آزادی، زنان و...

مگر به انتظار ظهور مهدی فاطمه ﷺ ندبه‌ها سر ندادید که مهدی بیا؟! حالا او جگرگوشه‌اش را با دلایل فراوان به سمت شما فرستاده است. به رسم ادب در ساحت مقدسش سر به زیر افکنیم و گواهی بر حق باشیم تا در روز رستاخیز، برای لحظه‌ای لبخند مادرش زهرالین نصیبمان شود.

می‌کند؛ سپس سفیانی لشکرش را ارسال می‌کند. (فی بعض ما ورد فی السفیانی فی سنة الظهور: مرکز المصطفی: عن کتاب الفتن لابی نعیم: ج ۱، ص ۲۸).

۲۰. امام صادق علیه السلام فرمود: «اولین قائمی که از ما اهل بیت قیام می‌کند با شما با احدیثی سخن می‌گوید که طاقت تحمل آن را ندارید پس علیه او خروج می‌کنید». (مجلسی، بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۳۷۵؛ شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۳، ص ۴۴).

۲۱. ر.ک: شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۳.

۲۲. از امام علی علیه السلام وارد شده است که فرمودند: «محل تولد مهدی از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله المدینه است». (سید بن طاووس، التشریف بالمنن: ص ۱۵۴). به‌طور قطع این روایت بر امام مهدی علیه السلام صدق نمی‌کند؛ زیرا محل تولد ایشان «سامرا» است.

۲۳. امام علی علیه السلام: «یا ابا العباس انت امام الناس... ای ابوالعباس، تو امام مردم هستی...» (علی بن زین العابدین حائری یزدی، إلزام الناصب، ج ۲، ص ۱۹۸). امام علی علیه السلام در این خطبه به‌صراحت قائم را با کنیه ابوالعباس یاد می‌کند و به‌صراحت می‌گوید که او نیز امام مردم است و این همان روایاتی است که می‌گویند خون‌خواه امام حسین علیه السلام است و به [نام] عمویش کنیه دارد. (ر.ک: منبع شماره ۱۷).

۲۴. انصار امام مهدی علیه السلام [مؤمنین به دعوت سید احمدالحسن] رؤیاهای خود را که خداوند در آنها شهادت داده است، به‌صورت صوتی و مکتوب، تعریف نمودند، در حالی که آنها جُداً از هم و از کشورها و اقوام مختلفی هستند. در سایت رسمی دعوت مبارک یمانی بسیاری از این شهادت‌ها وجود دارد.



۲۵. سید احمدالحسن، وصیت مقدس، نوشتار بازدارنده از گمراهی، ص ۳۶ و ۳۷.

۲۶. قرآن کریم، سوره صف، آیه ۶.

۲۷. حاکم می‌گوید: «... از عبدالله بن مسعود (رض): پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «روزها و شب‌ها نمی‌گذرد تا اینکه مردی از اهل بیت من به فرمان‌روایی برسد، نام او شبیه نام من است و نام پدرش شبیه نام پدر من است، زمین را پر از عدل و داد می‌کند، همان‌طور که از ظلم و جور پر شده است.» (حاکم نیشابوری، المستدرک: ج ۴، ص ۴۴۲).

۲۸. شیخ صدوق، خصال: ص ۵۶؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام: ج ۱، ص ۱۸۹؛ مستدرک حاکم: ج ۲، ص ۵۵۹؛ نیل الأوطار شوکانی: ج ۹، ص ۱۶۴. مسلمان تردید نمی‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرزند اسماعیل است و آن‌گونه یهودیان ادعا می‌کنند فرزند اسحاق نیست.

۲۹. سید احمدالحسن، وصیت مقدس، نوشتار بازدارنده از گمراهی، ص ۳۷ و ۳۸.

خدا بیهوده‌گویی می‌کند. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله خشمگین شد؛ طلحه گفت: شهادت می‌دهم.» (سلیم بن قیس هلالی، ص ۲۱۱).

ابن عباس می‌گوید: «روز پنجشنبه و چه روز پنجشنبه‌ای؛ سپس گریه کرد تا اینکه محاسنش از اشک‌هایش خیس شد. گفتم: ای ابن عباس، کدام پنجشنبه؟ گفت: درد رسول خدا صلی الله علیه و آله شدت گرفت و فرمود: «برای من کاغذی بیاورید تا نوشته‌ای برایتان بنویسم تا پس از آن هرگز گمراه نشوید.» پس به نزاع برخاستند در حالی که نزاع در حضور پیامبر شایسته نیست. گفتند: او را چه شده، هذیان می‌گوید؟...» (صحیح بخاری، ج ۴، ص ۶۵ و ۶۶؛ صحیح مسلم، ج ۵، ص ۷۵).

۱۳. همان.

۱۴. ر.ک: شیخ طوسی، الغیبه، ص ۱۵۰ نسخه عربی و ص ۳۰۰ نسخه فارسی.

۱۵. امام صادق علیه السلام: «زمانی که پرچم حق ظاهر شود، تمام مردم در شرق و غرب جهان آن را نفرین می‌کنند، آیا می‌دانی چرا؟ عرض کردم: خیر. فرمود: به این دلیل که شخصی از اهل بیت امام علیه السلام، قبل از امام به‌سوی مردم می‌آید.» (نعمانی، الغیبه: ص ۲۹۸).

۱۶. امام صادق علیه السلام: «همانا از ما بعد از قائم علیه السلام دوازده مهدی از نسل حسین (ع) است.» (منتخب الأنوار المضيئة: ص ۳۵۴-۳۵۳؛ مختصر بصائر الدرجات: ص ۴۹؛ بحار الأنوار: ج ۵۳، ص ۱۴۸).

۱۷. صدوق روایت می‌کند: «به امام حسین بن علی علیه السلام عرض کردم: شما صاحب این امر هستید؟ فرمودند: خیر. اما صاحب امر رانده شده فراری است که خون‌خواه پدرش است و به [نام] عمویش کنیه دارد که به مدت هشت ماه شمشیر را بر دوش خود حمل می‌کند.» (شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه: ص ۳۱۸).

۱۸. از امام علی علیه السلام درباره جیش غضب (لشکر خشم) سؤال شد. امام علیه السلام فرمود: آن‌ها قومی هستند که در آخرالزمان می‌آیند، مانند ابرهای پاییزی جمع می‌شوند، یک نفر و دو نفر و سه نفر تا نه نفر، از هر قبیله. به خدا قسم که امیر آن‌ها را با اسمش می‌شناسم و اینکه در چه مکان‌هایی می‌جنگند. سپس برخاست و فرمود: باقر است (شکافنده است)، باقر است، باقر است. او شخصی از فرزندان من است. احدیث را می‌شکافد چه شکافتنی. (النعمانی، الغیبه: ص ۳۲۵؛ مجلسی، بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۲۴۷).

۱۹. حدیفة بن یمان گوید: «شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله در ذکر مهدی علیه السلام می‌فرمودند: با او بیعت می‌شود بین رکن و مقام و اسمش احمد و عبدالله و مهدی است پس این سه اسمی او هستند.» (طوسی، الغیبه للحجة النص: ص ۴۵۴ - ص ۴۷؛ مجلسی، بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۲۹۱). محمد باقر علیه السلام فرمود: «در کوفه مردی می‌آید از فرزندان حسین علیه السلام که برای پدرش دعوت



تا نبینی خویش را ایمان حاصل می‌شود  
آیه‌ای می‌آید اطمینان حاصل می‌شود

از گناه و غفلت‌م حال و هوا آلوده شد  
پاک‌ام با نم‌نم باران حاصل می‌شود

خوب می‌دانم ردیف کل اشعارم تویی  
با تو بیت و مصرع و اوزان حاصل می‌شود

شدت تقوایی و از سترت‌ای برگ بهشت  
چون لباسی پوشش انسان حاصل می‌شود

کعبه‌ای و آشکارت کرده مهدی بعد از آن  
دور تو می‌گردم و قربان حاصل می‌شود

لحظه موعود نزدیک است با دستان تو  
آزمون و سنجش و میزان حاصل می‌شود

آیه‌ها را خواندم اما خوب فهمیدم عزیز  
با تو درک آیه قرآن حاصل می‌شود

دوستت دارم ولی می‌رنجم از دوری تو  
عاقبت تمکینت‌ای سلطان حاصل می‌شود

می‌رسد روزی که می‌آیی همین جا نازنین  
دیدنت از غزه تا تهران حاصل می‌شود

کمیل



# مهم ترین خبر جهان!

سید احمد الحسن ظهور کرد.

ای شیعیان و دوستداران اهل بیت علیهم السلام!

فرستاده امام مهدی و دعوت کننده به سوی او، یمانی موعود،  
سال هاست که منتظر شماست.

ای یهودیان!

فرستاده ایلیا آمده است.

ای مسیحیان!

تسلی دهنده و فرستاده مسیح آمده است.

ای اهل سنت!

آن مهدی که در آخر الزمان متولد می شود، اکنون در میان ماست.

ای تمام آزاداندیشان و اهل علم در زمین!

منجی بشریت با سندی از علم و شگفتی ها آمده است.